



﴿ ۱۴. «وَسُئِلَ الصَّادِقُ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ قَالَ الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرُنُجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ وَالنَّرْدُ أَشَدُّ مِنَ الشُّطْرُنُجِ فَأَمَّا الشُّطْرُنُجُ فَإِنَّ اتِّخَاذَهَا كُفْرٌ وَاللَّعِبَ بِهَا شِرْكٌ وَتَعْلِيمُهَا كَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ وَالسَّلَامَ عَلَى اللَّهِ بِهَا مَعْصِيَةٌ وَمُقَلَّبًا كَمُقَلَّبِ لَحْمِ الْخَنزِيرِ وَالنَّاظِرَ إِلَيْهَا كَالنَّاظِرِ إِلَى فَرْجِ أُمِّهِ وَاللَّاعِبَ بِالنَّرْدِ قِمَارًا مِثْلَهُ مِثْلُ مَنْ يَأْكُلُ لَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمِثْلَ الَّذِي يَلْعَبُ بِهَا مِنْ غَيْرِ قِمَارٍ مِثْلُ مَنْ يَضَعُ يَدَهُ فِي لَحْمِ الْخَنزِيرِ أَوْ فِي دَمِهِ وَلَا يَجُوزُ اللَّعِبُ بِالْخَوَاتِيمِ وَالْأَرْبَعَةَ عَشَرَ وَكُلُّ ذَلِكَ وَشَبَاهُهُ قِمَارٌ حَتَّى لَعِبَ الصَّبِيَّانِ بِالْجَوْزِ هُوَ الْقِمَارُ وَإِيَّاكَ وَالضَّرْبَ بِالصَّوَانِيحِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ وَالْمَلَائِكَةَ تَنْفِرُ عَنْكَ وَمَنْ بَقِيَ فِي بَيْتِهِ طُنْبُورٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»<sup>۱</sup>

ما می گوئیم:

۱. صریح این روایت در جائی که به بحث نرد توجه می دهند، آن است که نرد را می توان به صورت قمار

(یعنی راهنه) بازی کرد و می توان آن را به صورت غیر قمار بازی کرد.

۲. و عبارت «ولا يجوز اللعب بالخواتيم...» هم با توجه به تفصیل در نرد، به این معنی است که اگر در این

امور، راهنه باشد و شرایط دیگر فراهم باشد، قمار صادق است.

۳. ظاهر نهی (لا يجوز) از بازی، آن است که نهی از این عمل حتی در صورتی که راهنه نباشد هم صادق

است. ولی ادامه عبارت که آن را «قمار» می خواند، معلوم می کند که نهی از صورتی است که راهنه

در میان باشد، (چرا که در مفهوم قمار چنین شرطی نهفته است)

ان قلت: شاید روایت در صدد آن است که ادعاء، نفس بازی با آلات قمار را هم قمار به حساب آورد.

قلت: اضافه بازی بچه ها با گردو، که از آلات قمار نیست چنین امری را مستبعد سازد.

﴿ ۱۵. «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ ، وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ

ابن أبي عمير جميعا ، عن محمد بن أبي حمزة ، عن حمران ، عن أبي عبد الله عليه السلام - في حديث - قال : ألا

تعلم أن من انتظر أمرنا ، وصبر على ما يري من الأذى والخوف فهو غدا في زمرتنا؟ فإذا رأيت الحق قد مات

وذهب أهله ، ورأيت الجور قد شمل البلاد ، ورأيت القرآن قد خلق ، وأحدث فيه ما ليس فيه ، ووجه على

الاهواء ، ورأيت الدين قد انكفا كما ينكفيء الماء ، ورأيت أهل الباطل قد استعلوا على أهل الحق ... [و بسیاری

از حالات دیگر] ... ورأيت الايمان بالله عز وجل كثيرة على الزور ، ورأيت القمار قد ظهر ، ورأيت الشراب

يباع ظاهرا ليس له مانع ، ورأيت النساء يبذلن أنفسهن لاهل الكفر ، ورأيت الملاهي قد ظهرت ... ورأيت أموال

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۵۸، روایت ۵۰۹۳



ذوی القربی تقسم فی الزور ، ویتقامر بها ویشرّب بها الخمر ... فکن علی حذر ، واطلب إلی الله النجاة ، واعلم أن الناس فی سخط الله عزّ وجلّ وإنما یمهلهم لامر یراد بهم»<sup>۱</sup>

[وجه علی الاهواء: بنا بر خواسته های دل توجیه شده است / انکفأ: ریختن، شکستن]

ما می گوئیم:

در این روایت که به امور بسیاری به عنوان علائم آخر الزمان اشاره شده است، دو عبارت مربوط به قمار است:

الف) ظهور قمار

ب) صرف اموال ذوی القربی در قمار

و تنها قسمت اول می تواند دال بر حرمت قمار باشد.

«محمد بن علی بن الحسین فی ( معانی الاخبار ) عن أحمد بن الحسن القطان ، عن أحمد بن یحیی بن زکریا ، عن بکر بن عبدالله بن حبيب ، عن تمیم بن بهلول ، عن أبیه ، عبدالله بن الفضیل ، عن أبیه ، عن أبی خالد الکابلی قال : سمعت زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام یقول :»<sup>۲</sup>

در روایتی مفصل که از امام سجاد نقل شده است و گناهان را براساس آثار وضعی آن ها توضیح می دهد، حضرت «و الذنوب التي تهتك العصم»، را چنین برمی شمارد:

« شرب الخمر ، واللعب بالقمار ، وتعاطی ما یضحک الناس من اللغو والمزاح ، وذكر عیوب

الناس ، ومجالسة اهل الريب»

[تعاطی: مرتکب شدن]

ما می گوئیم:

ظاهر روایت تحریم قمار کردن است.

«فقہ الرضا (علیه السلام) : «واعلم - یرحمک الله - إن الله تبارک وتعالی نهی عن جمیع القمار ، وأمر العباد بالاجتناب منها ، وسمّاها رجسا ، فقال رجس من عمل الشیطان فاجتنبوهمثل اللعب بالشطرنج والنرد وغیرهما من القمار ، والنرد أشرّ من الشطرنج»<sup>۳</sup>

ما می گوئیم:

۱. عبارت فقہ الرضا، را نمی توان روایت دانست.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۷۵، روایت ۶

۲. همان، ص ۲۸۱، روایت ۸

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۱۸

۲. دلالت عبارت بر حرمت قمار کردن است و به فساد آن اشاره ندارد.

۱۸. «الشیخ أبو الفتوح الرازی فی تفسیره: عن رسول الله (صلى الله عليه وآله)، أنه قال: «إياكم وهاتين

الكعبتين الموشومتين، فإنهما من ميسر العجم.»<sup>۱</sup>

ما می گویم:

روایت در بیان مصداق میسر است و حکم آن را مطرح نمی کند.

۱۹. «وفی (عیون الأخبار) بأسانیده عن الفضل بن شاذان، عن الرضا (عليه السلام) فی کتابه إلى المأمون

قال: الإیمان هو أداء الأمانة، واجتناب جميع الكبائر، وهو معرفة بالقلب، وإقرار باللسان، وعمل بالأركان -

إلى أن قال :- واجتناب الكبائر وهي قتل النفس التي حرم الله تعالى، والزنا، والسرقه، وشرب الخمر، وعقوق

الوالدين، والفرار من الزحف، وأكل مال الیتیم ظلماً، واكل الميتة والدم ولحم الخنزير وما أهل لغير الله به من

غير ضرورة، وأكل الربا بعد البيئة، والسحت، والميسر وهو القمار، والبخس في المكيال والميزان، وقذف

المحصات، والزنا، واللواط، واليأس من روح الله، والأمن من مكر الله، والقنوط من رحمة الله، ومعونة

الظالمين، والركون إليهم، واليمين الغموس، وحبس الحقوق من غير عسر، والكذب والكبر، والإسراف،

والتبذير، والخيانة، والاستخفاف بالحج، والمحاربة لاولياء الله، والاشتغال بالملاهي، والإصرار على الذنوب.

ورواه ابن شعبة في (تحف العقول) مرسلًا نحوه»<sup>۲</sup>

[زحف: لشکر، جهاد/ بخش: کم فروشی]

ما می گویم:

ظهور روایت در تحریم قمار کردن است.

۲۰. «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرٍ

مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أُخْتِ أَبِي مَالِكٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ

الْمُخْتَارِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ اللَّعْبِ بِالشُّطْرَنْجِ فَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمْشَغُولٌ عَنِ اللَّعِبِ.»<sup>۳</sup>

[توضیح: شغله عنه: او را از آن بازداشت]

ما می گویم:

۱. روایت از امام باقر (ع) و درباره خصوص شطرنج است و ظاهراً آن را باید چنین معنی کرد که: «مومن

از اینکه بخواهد بازی کند، بازداشت شده است»

۱. همان، ص ۱۱۹

۲. وسائل الشیعة ط-آل البيت، ج ۱۵، ص ۳۲۹

۳. الخصال، ج ۱، ص ۲۶، روایت ۹۲





آنگاه امام علیه السّلام فرمود: پس هر کس از طرفداران ما میباشد باید از خوردن شراب و بازی شطرنج بپرهیزد، و هر کس از شیعیان ما که دیده اش به شراب جو یا شطرنج بیفتد امام حسین علیه السّلام را یاد نماید و بر یزید و آل زیاد لعن فرستد، خداوند عزّ و جلّ گناهانش را محو و نابود سازد، هر چند به عدد ستارگان آسمان باشد.»<sup>۱</sup>  
ما می گوئیم:

این روایت - علاوه بر ضعف سند - حرمت شطرنج را به سبب آن حادثه و فعل یزید برشمرده است (و یا حرمت را به سبب این کار مؤکد برشمرده است) و طبیعی است که در این صورت، اولاً حکم از پیامبر اسلام نیست و ثانیاً به سبب «قمار بودن» نیست بلکه به سبب تشبّه به یزید و یا لزوم تبری از او می باشد. باید توجه داشت که در این صورت حکم تا آن هنگام که عمل شطرنج چنین معنایی را عرفاً با خود داشته باشد، مشمول حکم است.



۱. ترجمه محمدتقی اصفهانی مشهور به نجفی